

داوری در مجلات؛ بخشی از مدیریت نشر

داوری در مجلات امر بسیار مهمی است که با سرنوشت علمی و تحقیقی جوامع علمی مرتبط است. داوری امر خطیری است که همچون قضاوت و بلکه خود قضاوت چنانچه مورد دقت قرار نگیرد کیان علمی جامعه را به هم می‌ریزد و چنانچه بر مبنای درستی شکل گیرد به رشد و بالندگی جوامع علمی می‌انجامد. مجلات علمی چنانچه به هويت علمی خود بیش از مسائل اقتصادی توجه کنند و به شرائط داوری که عمده آن زیر نظر آنها شکل می‌گیرد توجه داشته باشند، موجب تقویت بنیه‌های تحقیقاتی و پیشرفت علمی می‌شوند. اما این داوری در مجلات به عواملی بستگی دارد که رعایت آن، فرایندی را تشکیل می‌دهد که توجه به مجموعه آن فرایندها می‌تواند منجر به بارآوری شود و چنانچه بخشی از آن معطل باشد به همان اندازه در بازدهی تأثیر منفی می‌گذارد. دشواری‌های قضاوت در اینجا نیز مطرح است و شرائطی که قاضی باید داشته باشد نیز می‌تواند در اینجا به‌نوعی مدنظر باشد. دو عنصر مهمی که در قضاوت مطرح است عبارتند از نظر داشتن و بی نظری که این دو مکمل یکدیگرند. نظر داشتن به این معنا است که قاضی در مواردی که قضاوت می‌کند باید صاحب‌نظر باشد و دارای نظر علمی و تخصصی باشد، بدین معنا که باید تجربه و اهل فن باشد و آلاً نمی‌تواند در موضوع داوری کند. در مجلات علمی قطعاً باید افراد صاحب‌نظر در موضوع، مقالات مرتبط را دریافت کنند و آلاً داوری به‌خوبی انجام نخواهد شد. در مقابل، داور و داوران باید بی‌نظری داشته باشند به این معنا که در قضاوت و داوری فاقد حب و بغض باشند و نسبت به کسی جهت‌گیری خاصی نداشته باشند تا حقی را از کسی تضییع نکنند. از این رو است که در اکثر موارد بررسی مقالات به‌صورت ناشناس مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دیدگاه مثبت و منفی داور نسبت به مؤلف در قضاوت تأثیر نگذارد.

برای اینکه داوری در مجلات خوب انجام شود و جواب دهد، باید به‌صورت فرایندی عمل شود. این فرایند را می‌توان به دو مرحله مدیریت درونی و بیرونی تعبیر کرد که مدیریت درونی آن

شامل نویسندگان، سردبیران و هیأت تحریریه، داوران، و مسئولان حقوقی مجلات است که چنانچه مجموعاً مورد توجه باشند و به وظائف خود عمل کنند و نحوه کارشان در ارتباط با یکدیگر باشد بسیار مفید فایده خواهد بود و مدیریت درونی شامل بازاریابی، توزیع، بازخورد و نقد است که به سهم خود در باروری علمی مقالات موثر خواهد بود و اما مدیریت درونی:

۱. نویسندگان مقالات: نویسندگان مقالات وظیفه خطیری دارند. اولاً آنها باید در موضوع صاحب نظر باشند تا بتوانند مقاله بنویسند. آنها با بررسی‌ها و مطالعات خود باید سعی کنند بر ادبیات موضوع چیزی بیفزایند و حرفی نو برای ارائه داشته باشند. اگر مقالات عمدتاً مسئله محور باشند و نه خود مسئله محور، بسیار مطلوب است. از این گذشته، باید مسائل شکلی و ساختاری را به خوبی رعایت کنند تا کاری از این جهت برای داوران باقی نگذارند. در واقع باید فرایند داوری را صرف یافته‌های علمی و تازه‌های تحقیقاتی کرد تا داوران به دقت به این مسائل پردازند. بی‌دقتی مؤلفان نسبت به این موارد سبب می‌شود تا داوران به جای بررسی‌های محتوایی، به مسائل شکلی پردازند و ایرادهای خود را به آن متمرکز کنند و از بررسی محتوا، عمداً و یا سهواً غافل بمانند.

۲. سردبیران و هیأت تحریریه: وظیفه سردبیران و سپس هیأت تحریریه در تشخیص اولیه مقالات مناسب و سپس انتخاب داوران بسیار مهم است. سردبیران باید اطلاعات لازم داشته باشند، بدین معنا که صاحب نظر باشند، و احاطه اطلاعاتی نسبت به افرادی که می‌توانند به خوبی در موضوعات خاص داوری کنند نیز داشته باشند. آنها باید رابطه خوبی در این زمینه باشند تا مقاله خوب را به داور خوب بسپارند و این کار کوچکی نیست. سردبیران اغلب خود تصمیم می‌گیرند و هیأت تحریریه کمتر در انتخاب داوران مشارکت می‌کنند. باید سازوکاری فراهم شود تا هیأت تحریریه به عنوان بازوی فکری سردبیر انجام وظیفه کند. از آنجا که برقراری جلسه با اعضای هیأت تحریریه، به ویژه در شهرهای شلوغی مثل تهران، کار دشواری است می‌توان از طریق ایجاد سامانه الکترونیکی در نظر خواهی از هیأت تحریریه برای انتخاب داوران و تأیید نهایی انتخاب آنها توسط سردبیر اقدام نمود. در بعضی موارد سردبیران از مؤلفان هم می‌توانند کمک بگیرند. بدین منظور، از مؤلف می‌پرسند که در زمینه مورد نظر چه کسانی را صاحب نظر می‌دانید زیرا نویسنده مقاله بیش از هر کس دیگر افراد صاحب نظر در موضوع خود را می‌شناسد. سردبیر می‌تواند با حفظ نام مؤلف و یا حذف آن مقاله را برای داوران بفرستد. گاهی هم می‌توان از مطالعه استنادهای مقاله

افراد صاحب‌نظر در آن موضوع را شناخت. در هر حال، سردبیران مسئول نهایی کیفیت مقالات هستند و باید در این مورد دقت لازم را بنمایند.

سردبیران که معمولاً از جانب مدیران مسئول انتخاب و یا معرفی می‌شوند نیز از جهاتی در مضیقه‌اند. بیشتر مضیقه آنها از لحاظ مالی است که مدیران مسئول اغلب توجه لازم را به این امر نمی‌کنند و با عدم تخصیص بهینه اعتبار و یا تأخیر و تعلل در پرداخت‌ها به ویژه در حق داوری گرفتاری برای سردبیران فراهم و کار پیشرفت مجله را با مشکل مواجه می‌کنند.

گاه سردبیران مجلات اشکالات گرفته شده توسط داوران را - و اغلب در مواردی که مقاله نیاز به اصلاحات داشته باشد- برای مؤلف ارسال می‌کنند، و این در جایی است که دو داور اظهار کرده باشند که مقاله با اصلاحات قابل چاپ است. در اینجا سردبیران مقاله را همراه با ایرادات گرفته شده برای مؤلف می‌فرستند تا آنها را اصلاح کنند و یا اگر استدلالی دارند، بیان نمایند و مجدداً به سردبیری ارسال کنند. این کار حتی به هنگام رد مقاله از سوی داوران، کار مناسبی است تا چنانچه مؤلف علت رد را پرسد به او پاسخ گفته شود. این کار البته مستلزم صرف وقت بیشتری برای سردبیری است و در ضمن آموزشی برای مؤلف است. در اینجا ذکر این نکته لازم است که در این صورت ممکن است بعضی از مؤلف و یا مؤلفان از این موقعیت استفاده و یا سوء استفاده کنند و با رفع اشکال، مقاله رد شده را به مجله دیگری بفرستند و مقاله خود را که با راهنمایی داوران مجله اول اصلاح کرده‌اند، به چاپ برسانند. البته منعی در این کار نیست به شرط اینکه این امر به صورت یک سنت و عادت در نیاید که حمل بر بد اخلاقی مؤلف یا مؤلفان شود.

۳. داوران: داوران نقطه کلیدی در داوری هستند. یافتن داوران منصف، مطلع و مستعد کار آسانی نیست. سردبیر باید با کمک هیأت تحریریه، داوری مناسب با موضوع مقاله انتخاب کند و از آنها بخواهد تا در مدت معین نظرات خود را پیرامون مقاله ابراز کنند. اینکه داوران متعهد باشند که به وظیفه خود عمل کنند یک مسئله است و داشتن فرصت کافی برای انجام کار مسئله‌ای دیگر. پرداخت مادی و یا تقدیر معنوی از آنان خود نکته سومی است که اغلب مسأله‌ساز است. در برخی موارد داوران خبره و خوب فرصت ندارند و وقت‌شان بسیار ضیق است و ممکن است ترجیح دهند داوری نکنند و یا ترجیح ندهند به داوری مقاله‌هایی بپردازند که سطح آن بسیار پایین است و در ضمن هیچ امتیازی هم برای آنها ندارد و اگر امتیاز مادی هم به این داوران تعلق

می‌گیرد در برابر درآمدهای دیگری که دارند بسیار ناچیز است. به‌ناچار سردبیر باید مقاله‌ها را به داوران درجه دوم و یا چندی بسپارد که آنها طبعاً تبصری در کار ندارند. همانطور که گفته شد، بسیار از این داوران به‌جای بحث محتوایی به مسائل شکلی می‌پردازند و چنانچه مؤلف و مؤلفان آنها را رعایت نکرده باشند، به این موارد بسنده کرده و احساس می‌کنند که خوب داوری کرده‌اند. داوران خوب باید چنانچه به هر دلیلی نمی‌خواهند داوری کنند به سردبیر اطلاع دهند که قادر به انجام کار نیستند تا سردبیر تکلیف خود را بدانند. نبودن داوران وارد و عدم وجود بانک‌های اطلاعاتی موضوعی و عدم مشارکت سردبیران با یکدیگر در امر شناخت داوران امر را بسیار دشوارتر می‌کند. چنانچه نظامی به وجود آید تا هم بانک داوران تکمیل شود، هم تبصرشان در داوری به‌نوعی ارزیابی شود و هم تعداد مقالاتی که در هر زمان در اختیار آنان است مشخص شود، می‌تواند وضع داوری را بهبود بخشد. سلائق داوران نیز در این زمینه متفاوت است. برخی در اولین برخورد با یک نارسائی در مقاله آن را رها می‌کنند و نمره منفی به آن می‌دهند و برخی مقالات را تا آخر می‌خوانند. برخی ایرادات و پیشنهادهایی را عنوان می‌کنند و برخی نتیجه‌نهایی را با تیک زدن گزینه‌ها ذکر می‌کنند. بدیهی است آنجا که اشکالات ذکر می‌شود بسیار مناسب‌تر است و این خود مستلزم صرف وقت از جانب آنان است. برخی نیز پس از داوری اشاره می‌کنند که مقاله نیاز به بررسی مجدد دارد و برخی نیز به خاطر زحمت بازمینی ترجیح می‌دهند آن را رد کنند. همه این‌ها اشکالاتی است که بر سر راه داوری وجود دارد. مهمترین چیزی که داوران باید به آن توجه کنند، سهم مقاله در پیشبرد امور و توسعه در حوزه موضوعی است که اغلب مغفول می‌ماند.

۴. حامیان مجلات علمی در دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها: آخرین حلقه داوری به نوع نگرش تصمیم‌گیرندگان در مورد امتیازات متعلقه به داوری در ستاد دانشگاه‌ها و وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، وزارت بهداشت و درمان، برمی‌گردد. وقتی در این نهادها اعتباری مادی برای داوری در نظر گرفته نمی‌شود و اعتبار معنوی هم برای آن لحاظ نمی‌شود، طبعاً چرخه کار داوری را با مشکل مواجه و کار را بر سردبیران سخت می‌کند. یکی از مسائل عمده که باید ستادهای تصمیم‌گیری به آن توجه کنند این است که چگونه به داوری‌ها امتیاز دهند و چگونه داوران خوب را از داوران متوسط و ضعیف جدا کنند. زیرا همیشه هر صاحب اطلاعاتی ممکن است قدرت داوری نداشته باشد. مرز بین مقالات علمی-پژوهشی با مقالات مروری و یا ترویجی شفاف نیست.

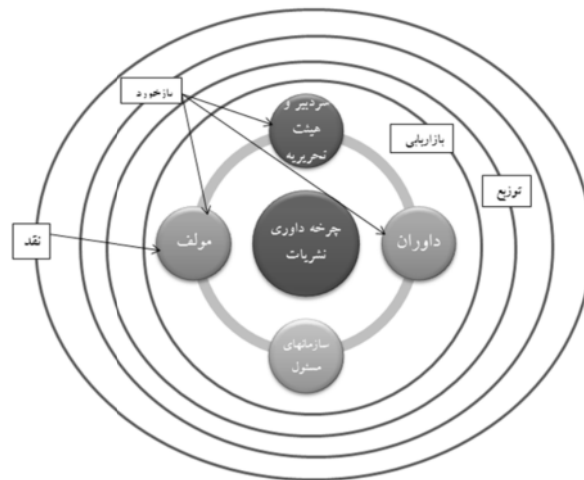
به‌علاوه، ارزش هر یک به‌صورت متعادل مورد بررسی قرار نگرفته است. اگر عمده هدف نگارش مقاله تأثیرگذاری باشد، موضوع کمی و کیفی بودن و مروری و پژوهشی بودن کم‌تر مدنظر قرار می‌گیرد. البته بدیهی است که اندازه‌گیری این تأثیرگذاری هم کار آسانی نیست ولی چنانچه ستادهای مزبور در این زمینه تلاش کنند و با تشکیل جلسات و سمینارها به بررسی این موضوع بپردازند چه بسا بتوان به دستاوردی نو رسید.

ضرب تأثیر (IF) اگر چه فعلاً ملاکی اصلی در سطح جهان است اما آفاتی هم آن را تهدید می‌کند. نمایه شدن مقالات در ISI و یا ISC هم بخشی از کار و نه همه کار است. وقتی تأکید بیش از اندازه بر این موضوع شود تالی مفاسدی به ویژه در علوم انسانی خواهد بود که باید از آن اجتناب شود.

در مجموع باید حرفه داوری را به‌صورت یک فرایند در نظر گرفت که همه عناصر ذی‌سهم در آن به مشارکت بپردازند و روند ارتقاء سطح کیفی و اثرگذاری آن را در جامعه مدنظر قرار دهند. باشد که وضعیت مقالات ما از تقلید به خلاقیت و ابتکار میل کند و صرفاً تصویربرداری از سوژه‌های غربی بدون توجه به بومی‌سازی آن، نباشد و تنها موضوعات مطرح در مجلات و مقالات خارجی ملاک ارزیابی قرار نگیرد. مشارکت در علم جهانی زمانی مطلوب است که نویسندگان ما از خود ابراز نظر کنند و هم در مورد مسائل منطقه‌ای و هم جهانی به اظهارنظر بپردازند. آنچه می‌تواند چرخه داوری را بهبود ببخشد توجه به نکات زیر از طرف مجلات هر حوزه موضوعی و اشتراک و یا همکاری سردبیران با هم است که خود در جای دیگر باید به‌طور مشروح مورد بحث قرار گیرد:

۱. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در زمینه داوران؛
۲. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در زمینه مقالات؛
۳. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در زمینه نمایه‌ها و کلیدواژه‌ها؛
۴. تلاش برای یکدستی فرمت‌ها و قالب‌ها؛
۵. همکاری در توزیع نشریات؛
۶. توجه به اقتصادی کردن کارها از طریق مشارکت در تایپ، ویرایش و تهیه نرم‌افزار و مانند آن.

برای اینکه حلقه داوری تکمیل شود باید به مدیریت بیرونی هم توجه شود و چهار مسئله توزیع، بازاریابی، بازخورد و نقد مورد توجه قرار گیرد. زیرا در سایه آن می‌توان به میزان باروری داوری‌ها پی برد.



نمودار ۱. چرخه داوری با توجه به مولفه‌های داخلی و خارجی

همانطور که در نمودار یک ملاحظه می‌شود، می‌توان دایره داوری و دریافت تأثیر آن را به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. دایره داخلی مواردی بود که در بالا ذکر آن آمد اما بدون توجه به دایره خارجی این بحث تکمیل نمی‌شود. وقتی کالائی تولید می‌شود، خواه کالای مادی باشد و یا معنوی و علمی، شرط کافی این است که برای آن بازاریابی شود تا معلوم شود که چه مراکزی نیازمند آن هستند. حتی اگر درست‌تر فکر کنیم چه بسا می‌بایست قبل از تولید میزان علاقه‌مندی و نیاز معلوم شده و بر اساس آن سفارش تولید داده شود و تنها در این صورت است که تولیدکننده از فروش و یا استفاده کالاهای خود اطمینان دارد. مسئله بعد، توزیع درست است. در واقع توزیع به اندازه تولید اهمیت دارد و یا آن را همپای آن می‌دانند. تولید هر اندازه مهم باشد وقتی به درستی توزیع نشود، عقیم می‌ماند و ثروت و یا هزینه‌های مادی و انسانی به هدر می‌رود. عدم توزیع، تأخیر در توزیع و یا توزیع نامناسب هر یک به سهم خود آفت‌هایی را به همراه خواهد

داشت. در حوزه‌های علمی این مسئله از شدت بیشتری برخوردار است زیرا که عموماً حساسیت جامعه نسبت به توزیع و سلامت آن در امور مادی بیشتر است و آنان عکس‌العمل سریع‌تر و حادث‌تری از خود نشان می‌دهند. حلقه بعدی بازخورد است که می‌تواند در تکمیل چرخه داوری نقش آفرین باشد. همچنانکه اگر در کالاهای مادی بازخورد نباشد تولیدکننده نمی‌تواند در مورد کیفیت و استمرار کار خود مطمئن باشد، در امور معنوی به طریق اولی این بازخورد اثربخش است. چه بسیار فعالیت‌های علمی و یا شبه علمی انجام شده است که حاصلی جز ماندن در قفسه ندارد و هیچکس به آن مراجعه نمی‌کند و این نه تنها اُفت علمی محسوب می‌شود، خسارت‌های مادی هم در آن هست. بازخورد می‌تواند در تصمیم‌گیری مدیران علمی بسیار موثر باشد و حتی در سطح کوچک‌تر چرخه داوری را تحت تأثیر قرار دهد؛ داوران تعویض شوند و یا به آنان تأکید بیشتری شود و یا مؤلفان مورد تذکر قرار گیرند. آخرین و والاترین عامل تأثیرگذار بر نظام داوری، نقدهای سازنده و دلسوزانه است. نقد اگر عالمانه باشد، هم نشان از زنده و پویا بودن جامعه علمی دارد و هم مشوقی برای رشد افراد خوش‌فکر و صاحب‌قلم خواهد بود و بدیهی است تداوم این امر تا چه اندازه در تقویت بنیه‌های علمی تأثیرگذار خواهد بود.